

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

سرّ بسته شدن راه کربلا

کلمات کلیدی: کربلا، امام حسین علیه السلام، راه کربلا، کفران نعمت، شکر، ایثار، زیارت، سوغات، زیارت باطنی، قبر اهل بیت علیهم السلام، قلب اهل ولایت، عشق.

بسته شدن راه کربلا اثر کفران نعمتی است که مردم کردند. به خاطر دارم سال‌ها قبل، روزی که دولت عراق جلوی بازگشت زوّار ایرانی به کشورشان را گرفت، من در کربلا بودم و سری به حسینیه‌ای که در جوار حرم حضرت اباعبدالله علیه السلام بود و محلّ اقامت زوّار ایرانی بود، زدم. همه نگران و مضطرب، خواستار بازگشت به ایران بودند و از من می‌خواستند دعا کنم راه برگشتشان به ایران باز شود تا بتوانند نزد خانواده و کسب و کارشان بازگردند. در دلم گفتم بین جهالت و قدرناشناسی تا کجاست که در کنار حرم امام حسین علیه السلام التماس می‌کنند راه باز شود و از کربلا بروند. همین کفران نعمت‌ها سبب شد که سال‌ها راه زیارت بسته شود.^۱

۱. مهدی طیب، مصباح‌الهدی، ص ۳۰۲.

این مسأله مربوط به زمان حیات ظاهری حاج آقای دولابی رحمته الله است؛ آن زمانی که راه کربلا ظاهرش بسته بود. همان طور که می‌دانید، سال‌های زیادی راه زیارت بسته بود. حسرت تشرّف به کربلای حسینی علیه السلام به دل خیلی از اهل ایمان ماند و جان دادند و از این عالم رفتند.

همین کفران نعمت‌ها سبب شد که سال‌ها راه زیارت بسته شود. البتّه شهدای جنگ ایران و عراق که به عشق امام حسین علیه السلام به میدان رفتند، یک مقدار جبران آن کفران نعمت‌ها را کرد. این بار که راه باز می‌شود، مواظب باشید اگر موقّق به رفتن به کربلا شدید، باز کفران نعمت نکنید و بعد از عمری آرزوی زیارت امام حسین علیه السلام، از روز اوّل ورود به کربلا، در بازارها دنبال خرید و فروش نباشید.

این بی‌توجهی به نعم الهیه است؛ چون **شُكْرُ النَّعْمِ دَرَكُ النَّعْمِ**^۲ شکر نعمت این است که انسان قدر نعمتی را که خدا به او داده است، بداند. اگر داشته باشی، ولی قدرش را نشناسی، شاکر نیستی؛ کافری؛ نسبت به آن نعمت، کفران‌پیشه‌ای. انسان در کنار حرم اباعبدالله علیه السلام باشد و التماس کند که مثلاً حاج آقا دولابی! شما که مستجاب‌الدّعوه‌ای، دعا کن که به نحوی راه باز شود و ما از کنار امام حسین علیه السلام برویم مثلاً در تجارت‌خانه‌مان مشغول تجارت شویم؟ در مغازه‌مان مشغول خرید و فروش شویم؟ کنار زن و بچه‌مان مشغول زندگی شویم؟ انسان التماس و دعا می‌کند که از کنار امام حسین علیه السلام برود؟! چقدر بی‌توجهی و قدرناشناسی است! فرمود: همین کفران راه را بست و حالا دوباره که راه باز می‌شود، مواظب باشید. حالا الحمدلله راه باز شده، به برکت خون همین شهدایی که به عشق اباعبدالله علیه السلام به جبهه رفتند و آن‌طور پاکبازانه جان دادند. به‌راستی حالا دیگر مواظب باشیم. نکند دوباره غفلت ما را بگیرد و کربلا که می‌رویم، نیت زیارت بازارهای کربلا و سوغات آوردن و خرید

۲. از اقوال اهل معرفت.

کردن در بازارهای کربلا را کرده باشیم! نمی‌گوییم سوغات نیاورید؛ نه، سوغات آوردن از سفر زیارتی خیلی خوب است. پولی هم که صرف خرید سوغات می‌کنید، جزء هزینه‌ی زیارتتان خدا به شما اجر می‌دهد. همه‌ی اینها درست؛ اما حواسمان جمع باشد که چه کار می‌کنیم. زیارت اباعبدالله علیه السلام تحت‌الشعاع خرید بازارمان قرار نگیرد که بگوییم این ساعت‌ها که بازار باز است، برویم خرید کنیم و وقتی بازار را بستند، به زیارت می‌رویم. چرا؟ چون دیگر بازار باز نیست؛ وگرنه، اگر بازار باز بود، باز هم زیارت نمی‌رفتیم. خدای ناکرده، این‌گونه نشود! الآن من می‌بینم متأسفانه این روحیه دوباره کمی دارد برمی‌گردد. مواظب باشیم؛ که اگر خدای ناکرده برگردد، دیگر معلوم نیست چند سال باید حسرت زیارت کربلا را بخوریم. این‌گونه نیست که وقتی باز شد، دیگر بنا بر این باشد که همیشه باز بماند. راه کربلای امام حسین علیه السلام در طول تاریخ همین‌طور بوده است؛ مدتی باز است و مدتی بسته. الآن هم که به عنایت خدای متعال راه باز شده است؛ فکر نکنید هر کاری بکنیم راه باز می‌ماند. فرمود: **لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ**^۳ تعارف ندارد! حال، این صورت ظاهر بود، در جنبه‌ی باطنی هم همین را بدانیم. اگر راه ملاقات باطنی بر ما بسته است، اگر در خانه‌ی دل به زیارت دلدار نائل نیستیم، اگر حقیقت ولایت را در باطن زیارت نمی‌کنیم و نمی‌بینیم، این هم میوه و محصول کفران است. چون قدر حقیقت ولایت را نشناختیم، راه شهود باطنی ولایت بر ما بسته شده است. در زیارت باطنی، هیچ مکان خاصی شرط نیست و اصل زیارت، زیارت باطنی است؛ این است که شخص بتواند حقیقت حسینی را در باطن زیارت کند. گرچه زیارت کربلا و زیارت حائر حسینی و زیارت حرم و ضریح و مرقد مطهر اباعبدالله‌الحسین علیه السلام خدا می‌داند چقدر ارزش دارد؛ فوق تصور ماست؛ اما این تازه تنزیل است؛ حقیقت زیارت، زیارت باطنی است؛ این است که خود امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم، نه مرقد امام حسین علیه السلام را؛ و خود امام حسین علیه السلام را در حرم دلت می‌توانی زیارت کنی.

۳. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۷.

فرمودند: **فُؤْرْنَا فِي قُلُوبِ مَنْ وَالَانَا**^۴ قبر ما اهل بیت در قلب اهل ولایت ماست. قبر حقیقی امام حسین علیه السلام در دل اهل محبت و عشق به اباعبدالله الحسین علیه السلام است. زیارت واقعی را در باطن می شود کرد. حال، راه زیارت باطنی چرا بر ما بسته است؟ چرا موفق به زیارت باطنی نیستیم؟ چرا امام حسین علیه السلام را در باطن نمی بینیم؟ چرا نمی توانیم دیدارش کنیم؟ من برای خودم می گویم. ان شاء الله در جمع شما فراوان باشند افرادی که موفقند به این دیدار و ملاقات؛ ولی برای خودم می گویم؛ چرا محرومم؟ به خاطر کفران نیست؟ به خاطر این نیست که ما قدر ولایت را نشناختیم؟ سرگرم دنیا شدیم؟ حواسمان پرت شد؟ دل به دنیا سپردیم؟ به زرد و سرخ دنیا، به زر و زیور دنیا، به مقام و جاه دنیا، به رفاه و لذایذ دنیا دل سپردیم؟ حواسمان پرت شد؟ کفران نعمت، ما را از این دیدار باطنی محروم کرد. لذا اگر اهل توجه باشیم، قدر نعمت ولایت را بشناسیم، شکر نعمت ولایت را به جا آوریم، راه باز می شود؛ یعنی زیارت باطنی هم امکانپذیر می شود. همان طور که یک مقدار ایثار و خون دادن در راه اباعبدالله الحسین علیه السلام خواست تا راه زیارت ظاهری حضرت باز شود؛ در باطن هم باید این ایثار را بکنیم، باید از یک سری چیزهایمان در راه امام حسین علیه السلام بگذریم، به هر قیمتی که فروختند، بخریم. این نکته را در طول تاریخ دیده اید. متوکل عباسی دست قطع می کرد تا اجازه بدهد افراد به زیارت مرقد اباعبدالله علیه السلام بروند. افراد می رفتند و دستشان را می دادند. امسال می رفت دست چپش را می داد و سال دیگر دست راستش را هم می داد، برای اینکه بتواند به زیارت برود. ما از چه چیزمان حاضریم بگذریم؟ از رفاهمان، از راحتیمان، از پست و مقاممان حاضریم برای امام حسین علیه السلام بگذریم؟ اگر فردا حکم اخراجمان را بدهند، اموالمان را مصادره کنند، خودمان را زندان کنند، از چه چیزمان حاضریم بگذریم؟ فردا در جامعه ما را هو کنند، با ابزارهای تبلیغاتی و رسانه های خبری و امثال آن آبرویمان را ببرند و حیثیت برایمان نگذارند، تا کجا به پای همراهی با امام حسین علیه السلام ایستاده ایم؟ اگر حاضریم

۴. حسن زاده آملی، هزارویک نکته، نکته ی ۷۵۹، ص ۶۰۸.

اینها را بدهیم، یعنی قدرش را شناخته‌ایم؛ یعنی ارزش آنچه به دست می‌آوری را شناخته‌ای. می‌بینی می‌ارزد که جانت را هم بدهی، همه‌ی خانواده‌ات را هم بدهی، پست و مقامت را بدهی، پول و ثروتت را بدهی، آبرو و حیثیتت را بدهی، هر چه داری بدهی.

تَرَكْتُ الْخَلْقَ طُرّاً فِي هَوَاكَ وَ اَيَّمْتُ الْعِيَالَ لِكَيْ اَرَاكَ

وَلَوْ قَطَعْتَنِي فِي الْحُبِّ اِرْبَا لَمَا حَنَّ الْفُوَاذُ اِلَى سِوَاكَ^۵

همه‌ی خلق و هرچه را هست در راه عشق تو ترک کردم. زن و بچه‌ام را هم در راه وصال و دیدار تو به خاک یتیمی نشاندم. اگر در راه عشقت قطعه قطعه‌ام کنی، دل من به‌سوی جز تو پر نمی‌کشد. اگر در راه امام حسین علیه‌السلام این‌گونه شدیم، قدر امام حسین علیه‌السلام را در حدّ فهم خودمان شناخته‌ایم و شاکر شده‌ایم. آن موقع راه باز می‌شود. بنابراین اگر راه زیارت باطنی هم مسدود است، به دلیل کفران نعمت است. امیدوارم خدا ما را شاکر قرار دهد و قدر آن نعمت را بشناسیم تا راه به رویمان باز شود.

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللهِ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللهِ^۶

۵. حائری محلاتی، معراج‌المحبّه (لهوف منظوم) ص ۹۸؛ این ابیات زبان حال امام است در مرثیه‌ای از این مقتل.

۶. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.